

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

توضیحی مختصر اما لازم خدمت یک دوست گرانقدر

به تاریخ چهارم دسمبر مقاله ای داشتیم از قلم توانائی آقای کاندیدای اکادمیسین "سیستانی" زیر عنوان "جنگ میوند، ملالی و غازی سرداره" که در ذیل مقاله، یاد داشتی وجود داشت با امضای "اداره پورتال". این یادداشت بین برخی از دوستان همکار سؤالاتی را به وجود آورده در ضمن زمینه ای گردیده برای عده ای از خفاشان، تا از تاریکی ها بر پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" حمله سازمان یافته و گسترده ای را آغاز نموده به زعم خودشان انتقام شکست های متوالی شان را از پورتال بگیرند، غافل از آنکه بحث در این عرصه یکی از آن موارد گرهی می باشد که در نهایت چهره سیاه و قیر گون "انقیاد طلبان" را از پس نقاب های دروغین رنگارنگ به نمایش خواهد گذاشت. مگر قبل از پرداختن به بحث، لازم است تا اندکی در رابطه با چگونگی روند کار ها در پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" معلومات ارائه گردد، باشد که سوء تفاهات را از میان بردارد.

در پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" پیشبرد کارها طوری سازمان یافته است، که مقاله ها بعد از تصحیح و ویراستاری های لازم به همکاران تخنیکی سپرده می شود، تا آنها مقاله های اصلاح شده را در بخش های مربوطه بگذارند. به صورت عادی هرگاه تبصره و یا یادداشتی در رابطه با یک مقاله مورد ضرورت باشد، یادداشت مورد نظر به مشوره گردانندگان پورتال، من جمله ویراستاران و همکاران تخنیکی آن تهیه شده در ذیل و یا آغاز آن مقاله جا داده می شود. مگر در شرایطی که دسترس به سایر اعضای گرداننده پورتال وجود نداشته باشد، به همکاران تخنیکی این صلاحیت داده شده است، تا یادداشت لازم را با در نظر داشت "اهداف نشراتی" اعلان شده از طرف پورتال، تهیه کرده و آن را ضم مقاله به نشر برسانند. بعد از ختم کار، گردانندگان دیگر نیز حق دارند تا نسبت به یادداشت موضع گرفته، در صورت قبول آنرا موضع پورتال اعلام دارند و در غیر آن عدم موافقت خویش را با آن ابراز دارند.

با تذکر این مقدمه با صراحت اعلام می دارم که یادداشت ذیل مقاله آقای "سیستانی" از این قلم یعنی "سید حسین موسوی" بوده هیچ گونه ربطی به سایر گردانندگان پورتال – چه اکنون موافق باشند و یا مخالف – ندارد. و اما این را که چرا چنین امری اتفاق افتیده و پاسخ این قلم به آن چیست، به صورت عمده روی نامه یکی از دوستان گرانقدر که در این زمینه اظهار تشویش نموده اند، تمرکز داده در ضمن نامه دیگری را نیز که به احتمال اغلب از طرف یک تن از "انقیاد طلبان" و یا هواداران سایت انقیاد طلب "افغان جرمن" به آدرس ایشان فرستاده شده، نیز بی پاسخ نمی گذارم و آنهم به خاطری که آن نامه ها چنان به وسعت تکثیر شده اند که هیچ راهی به جز پاسخ مستقیم از طریق پورتال نمی تواند، تأثیران سوء آنرا از بین ببرد.

این دوست محترم، از ما می پرسند که باوجود متن "هر نویسنده مسئول محتویات و روحیه مضمون خود است. پورتال افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" به حیث یک وسیله "مطبوعاتی – انتقالی"، هیچگونه مسئولیتی را در قبال مطالب و مضامین هموطنان نمی پذیرد"، ضرورت گنجاندن آن تبصره در ذیل نیشه آقای "سیستانی" چه بود؟ پاسخ این قلم برای آن دوست ارجمند، اینست که "مسئولیت یک امر را کسی به عهده داشتن" غیر از آن است، که فرد دیگری از حقوق دموکراتیک خود استفاده ننموده و به اتکای آن، مسئولیت را متوجه طرف دیگر ساخته، خود از رویارویی با خطائی که بدان معتقد است، ابراء بورزد.

اگر اجازه داشته باشم باید به صراحت بنویسم – و امید است کسانی آنرا هتک حرمت به خویش به حساب نیاورند – که یکی از دلایل ادامه سه دهه جنایت، همین سیاست "به من چه" و مسئولیت آن متوجه من نیست؛ می باشد. به

عبارت دیگر با آوردن هزار و یک دلیل، پاچه خود را بالا گرفته بدون آنکه به کشتار مردم اعتراض صورت گیرد، دل بدان خوش شده، که "شکر خدا من آدم نکشته ام". در اینجا فراموش شده است که به مثابه انسان آگاه علیه آن ظلم و یا اجحاف چه باید می کرد. این قلم را اعتقاد بر آن است که هر چند مسئولیت مسقیم را فاعل دارد، زمینه ساز و تماشاگر عادی نیز به نوبه خود در آن عمل سهیم بوده، نمی تواند مسئولیت همراهی و یا سکوت خویش را متقبل نشود.

در رابطه با بحث مورد نظر این قلم را اعتقاد بر آن است که آوردن اسم یک عضو از به اصطلاح پارلمان اداره مستعمراتی و یا به گفته شخص خانم "ملالی جویا" «طویله حیوانات» در کنار قهرمان قرون - "ملالی میوند" - اهانتیست آشکار علیه "ملالی میوند". چه "ملالی" اول در حالی که درفش خونین یک مرد دلیر اما زخم خورده را از زمین برمی داشت و شجاعانه به پیشواز مرگ می شتافت، "ملالی" دوم چشم امید به الطاف استعمار دوخته، سوار بر بالهای غول پیکر هواپیماهای کشور های اشغالگر قاره ها را زیر پا گذاشته، پیام آور پیروزی "دموکراسی امریکایی" بر جهالت "قرون وسطایی" می گردد. آنچه در تمام سفرهای رسمی کسی از وی نمی شنود مکث کوتاهیست بر سعید آباد ها، عزیز آباد ها، ناد علی ها، شاه ولی کوت ها و این بحث را می گذارم به زمانی که کسی با هویت مشخص خود در این میدان گام گذارد، در آن صورت خواهیم دید، که **تفاوت میان "ملالی" و "ملالی"** همان **تفاوت میان "ماه" من و "ماه" آسمان است**.

بر مبنای همین طرز دید و اعتقاد آن یادداشت را نوشته ام، به این هم هیچ اهمیتی قایل نیستم که چه کسی از آن خوشش می آید و چه کسی از آن ناراحت شده است. آنچه را در همان مقطع درست تشخیص داده ام به ندای وجدان خود گوش فرا داده، انجام داده ام، از اولین روزی هم که علیه روس اشغالگر تفنگ برداشتم با تمام عدم تناسب قواء ترسی بر خود راه ندادم، اکنون نیز از تهدید ها و فحش های "انقیاد طلبان" نه تنها هیچ گونه هراسی ندارم، بلکه به همه آنها "چلینج" می دهم، تا با هویت خود پا به میدان بگذارند و خفاش گونه از تاریکی حمله نکنند.

و اما نکته دومی که آن دوست گرانمایه پرسیده بودند، تفاوت میان شخصیت "ملالی جویا" در مقایسه با جنایتکاران جنگی، ناقضان حقوق بشر و خیانتکارانی چون "ربانی و سیاف و قانونی و فهیم و اسماعیل خان و دیگر جنایتکاران ائتلاف شمال" و نقش افشاء گرانه خانم "جویا" علیه آنها می باشد.

به این دوست دانشمند باید تذکارداد، جنایت کاران و خیانت کاران تنها "ائتلاف شما" نمی باشند، بهتر بود تا اول از جنایت کاران و خاینان خلقی - پرچمی چون "گلاب زوی ها، علومی ها، رنجبرها" و به دوام آنها از وکلای مربوط به حزب اسلامی و سایر احزاب که با ائتلاف شمال نبودند و دستان آنها نیز تا مرفق به خون خلق ما رنگین است، نیز یاد می کردند تا هیچ نوع شبهه ای به وجود نمی آمد. در ثانی از آن دوست انتظار می رفت این نکته را متوجه شوند، که در آن بحث قضیه روی "خوب بودن" و "بد بودن" افراد نیست - ای کاش در کل چنین می بود و تجاوزگران قادر نمی شدند با به نمایش گذاشتن یک چهره ناشناخته بر جنایات خویش سرخاب دموکراسی بمالند - بلکه اساس قضیه روی شرکت در نهادهای تراز اول اداره مستعمراتی و عدم شرکت در آن است. شرکت در به اصطلاح انتخابات ریاست جمهوری، شرکت در به اصطلاح انتخابات شورای ملی و امثالهم.

این قلم را اعتقاد بر آن است که نفس شرکت در همچو به اصطلاح انتخاباتی به معنای حقانیت بخشیدن به اداره مستعمراتی و تأیید تجاوز ختم شده، چیزی نیست مگر خیانت به امر استقلال کشور و حق حاکمیت مردمان آن. از آنهایی که می خواهند در این رابطه قدم رنجه نموده به درفشانی آغاز نمایند، صمیمانه تقاضا دارم تا به خاطر پوشانیدن مواضع "انقیاد طلبانه" شان در عقب بیچاره "ملالی جویا" سنگر نگیرند. خود پا پیش گذاشته بگویند که افغانستان را چگونه کشوری می بینند؟ اشغال شده و یا آزاد و مستقل؟ اداره مستعمراتی کرزی را چگونه یک نظامی می دانند، دست نشاندۀ و مزدور اجنبی و یا دولت قانونی و صاحب اراده مستقل؟ حضور ارتش های بیگانه در افغانستان را چگونه ارزیابی می نمایند؟ مبشران آزادی و دموکراسی؟ و یا قاتلانی از قماش ارتش سرخ در لباس دیگر؟ کرزی را یک "احمد خان" جدیدی می دانند که مصمم است تا کشور را از درون ویرانه های قرون - سه دهه جنایت - ایجاد و اعمار نماید، یا یک "شاه شجاع و ببرک کامل" دیگری که سوار بر پیل های آهنین ناتو به منظور به زنجیر کشیدن مردم ما، رنج سفر را تحمل می نماید؟

سؤال خوب و یا بد بودن فرد و یا افراد مشخصی مطرح نیست، که هر گاه "کرزی" برخیزد و "جلالی" بر جایش تکیه زند، دنیا گل و گلزار می گردد و یا اینکه "ربانی" ها بروند و "ملالی" ها جایگزین آنها گردند، افغانستان شگوف می گردد. سؤال اساسی در این جاست که با تغییر و یا جا به جایی افراد چه تغییری در کل، "دست نشاندۀ بودن" نظام و "مستعمره بودن" کشور به وجود می آید. آنهایی که به عقل خود، حمایت های گروهی و یا تقنین "انقیاد طلبان" **افغان جرمن** می خواهند از تاریکی سنگی به طرف پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" و یا شاید هم بعد از این به استقامت این قلم پرتاب نمایند، لطف نموده میدان های جنگ را دقیق یادداشت نموده و با هویت خود داخل آن گردند. تا نکند من هم به مانند آنها در تاریکی سنگی بیندازم، و خدا نخواستۀ شیشه آمال کسانی را بشکنم که هیچ چنین قصدی را ندارم.

و اما در رابطه با نوشته یک تن از هواداران سایت انقیاد طلب "افغان جرمن":

این شخص که با تأسف تا هنوز جرأت ننموده تا با زندگی "دراکولایی" فاصله گرفته و خود را در معرض نور قرار دهد، ضمن چند جمله ای که تحریر داشته است و در صورت لزوم به نشر تمام آنها مبادرت خواهیم ورزید، از همان آغاز ضمن ابراز تعلق خاطر به "انقیاد طلبان"، خصومت و دشمنی خویش را با پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" و برخی از نویسندگان آن که از جمله مفاخر ملی کشور به شمار می روند، با بستن دروغ "من با اینکه معتقد بودم که این پورتال جز تکرار مقالات و نوشته های که در دگر سایت های اینترنتی آنرا میتوان یافت چیزی نو را عرضه نمیکند" ماهیت خویش را آشکار نموده است. اینکه ایشان معتقد هستند که پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" به جز نوشته ها و مقالات دیگر سایت ها چیز نوی را عرضه نمی دارد، یا اینکه به تعبیر "بیدل" که گفته است:

دل ز نابینایی خود می کشد بار جسد تا گره در سینه دارد دانه، خاکش بر سر است

آنچنان نسبت به پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" عقده مند است که نمی تواند حقایق را ببیند و یا اینکه به همان تعبیر معروف "قورباغه از درون چاه، آسمان را برابر با دهانه چاه می بیند"، ایشان هم از دورن چاه انقیاد طلبی ساحة فعالیت پورتال ما را به همان مقیاس "قورباغه" اندازه می گیرد. در غیر آن حتماً متوجه می شدند، که پورتال ما، بادر نظر داشت عمر کم آن، امروز یکی از وسایل نشراتی مطرح در جامعه مطبوعاتی کشور بوده و این مأمول به دست آمدنی نبود، مگر اینکه نوآوری ها و مقالات ارزشمند و بکری را عرضه نمی کرد. اگر گاهی دیده می شود که برخی مقالات در دو و یا چند سایت همزمان به نشر می رسند، صرف نظر از آنکه این حق دموکراتیک نویسندگان است که مقالات شان را به کدام سایت ها روانه می دارند و ما را با انحصار طلبی نوع "انقیاد طلبان" هیچ مناسبتی نباشد، کیفیت تقدیم مقاله ها از تمام کسانی که به چند سایت همزمان می فرستند، خود گویای آن است که کار ما از کیفیت بالاتری برخوردار بوده، چه بسا تاخیر در نشر یک مقاله، متأثر از زمان طولانی ویراستاری آن باشد. شاهد قول ما در این زمینه به علاوه ده ها میل تشکر از نویسندگان پورتال است، تمام خوانندگان را نیز به مذاقه دعوت می نمایم تا تمام مقالاتی را که در جاهای دیگر و پورتال AA-AA. از نظر می گذرانند، باهم مقایسه نموده حکم صادر نمایند که آیا خفاش انقیاد طلب حق به جانب است، و یا پورتال AA-AA.

نکته ای دیگر حمله بز دلانه ای است که از تاریکی بر یکی از شخصیت های شخصیت و مفاخر بلامنازع کشور ما در عرصه ادب و فرهنگ و سرباز دلیر در راه حراست از پاکیزگی و استقلال زبان های کشور من جمله دری و پشتو؛ صورت گرفته است. وقتی آن خفاش گستاخانه می نویسد: "درافاده فروشی هایشان در باره ادبیات و فارسی نویسی و غیره بودند و از خیرات همین ادارات استعماری و در چوکات اداری آن شب و روز شانرا سپری میکردند" به علاوه آنکه آگاهانه به صد ها هزار افغانی که به خاطر اجبار تن به مهاجرت داده و در کشورهای بیگانه زندگی شرافتمندانه خویش را پیش بردند و به بهانه "سر می دهیم اما سنگر نمی دهیم" وطن را چون سایر "سنگر داران" به حراج شرق و غرب گذاشتند، اهانت و توهینست نا بخشودنی، فقر فرهنگی و جهل مرکب خویش را از درک نقش دفاع از اصالت زبان در اصالت فرهنگ کشور نیز بیان می دارد. از آن گذشته "خفاش انقیاد طلب" نگفته است که در زمان مورد نظر خودش چه می کرد؟ در کجا و در کدام جهتی در سنگر دفاع از مردم قرار داشت که امروز به خود حق می دهد بز دلانه از تاریکی به سمت دیگران سنگ پرتاب نماید. در همین جا در غیاب آن اسطوره زمان در زمینه ادب و فرهنگ به این نوع خفاشان چلینج می دهم که بیابند کارکرد ها را به قضاوت دیگران بگذاریم، باشد مردم بتوانند با دید بازتر صحیح را از سقیم و درست را از نادرست، تمیز نمایند.

خفاش انقیاد طلب، در ادامه نامه اش از جانبی اداره کرزی را "پارلمان پوشالی" نام می گذارد و از جانب دیگر در دوام جمله "ملالی جویا" را نماینده منتخب ولایت فراه می داند "ملالی جویا نماینده منتخبی مردم فراه در پارلمان پوشالی بوده" - غلطی املایی را در همان یک جمله به خاطر آن دوستی که نامه برایش رسیده نادیده می گیرم، ورنه جا داشت در همین جا گفت که در موجودیت اسطوره هایی چون همکار ما در پورتال، خفاش در یک سطر یک غلطی می کند وای بر آن روزی که این "اسطوره" وجود نمی داشت و تاچندی قبل همین خفاش و صد های دیگر چون او از وی نمی آموختند، در آن صورت حتماً روی چهار پای راه می رفتند - چنین برداشت متناقض داستان آن آدم را به خاطر می آورد، که می گفتند "هم کوسه است و هم ریش پهن دارد". این معما را بهتر است خود این دانشمند حل کند که چه چیزی یک "پارلمان" و یا یک "دولت" را "پوشالی" می سازد و نقش "مردم" در "انتخاب" یک عضو در یک "پارلمان پوشالی" چه است؟ امید است این آقا فراموش ننماید، که اگر وکیل مورد نظر ایشان حقانیت خود را از انتخاب مردم گرفته است چه دلیلی دارد که سیاف، قانونی و سایر جنایتکاران از این مرحمت مردم با در نظر داشت سالها تلاشی که به خاطر تحمیل آنها صورت گرفته بود؛ برخوردار نشده بودند. از آن گذشته و صرف نظر از آنکه در یک کشور اشغال شده رفتن پای تحکیم مناسبات استعماری خیانتیست آشکار به امر استقلال و آزادی همان کشور، در صورتی که در یک جایی مانند ولایت فراه با ضریب بالایی!! که در زمینه سواد آموزی دارد و به مانند سایر مناطق از سیطره و بیداد جنگ سالاران به ستوه آمده اند، بتواند انتخابات دموکراتیک برگزار گردد از کجا معلوم که در دیگر جا ها نیز چنان نبوده و در نتیجه؛ قضیه "پوشالی" به کجا می کشد؟ انتظار

دارم که خفاش انقیاد طلب با خواندن این جملات از تاریکی بدر شده، زیر نام و هویت خودش پا به میدان گذارد و از دور بر روشنی ماهتاب زوزه نکشد.

خفاش انقیاد طلب، در اخیر بیاناتش پا را جلو تر گذاشته از ما می خواهد، که یا ثابت سازیم که "ملالی جویا" خاین است و یا اینکه شک جنابشان به یقین مبدل شده و ما را شامل طیف مدافعین جنگسالاران، ناقضین حقوق بشر و خاینین شورای نظار خواهند دانست.

به این انقیاد طلب و مدافعین پیدا و پنهانش می گویم، که اول خود را آشکار بسازند تا دیده شود که واقعاً جنابشان که هستند؟ یک شورای نظاری که می خواهند حریف دیرینه شانرا به وسیله این قلم آسیب برسانند و یا یک تن از آنهایی که هر گاه از دنیس بگیری به مانند یک گژدم تو را به خاد رهنمون می گردد؟

دوم شورای نظاری کسانی هستند که با شورای نظار روی یک میز نشسته و یا از وزارت خانه های اداره مستعمراتی زیر نام های مختلف کمک دریافت می دارند. شورای نظاری آنهایی هستند که با سایت های مربوط به شورای نظار نویسنده مبادله نموده و علیه ما توطئه می کنند، شورای نظاری آنهایی هستند که به مانند شورای نظار و باند های مربوطه آن حاکمیت استعمار و قرارداد "بن" را تقدیس می کنند، شورای نظاری آنهایی اند که در هفته مرگ مسعود زبان را قورت داده لام تا کام نمی کشاید تا اگر بتوانند، لبه تیز تیغ شورای نظار را علیه ما بگردانند. و اما سخنی هم با آنانی که از این ناراحت اند، که چرا بهشت آرزوهای آنها، یعنی خارج افغانستان به خاطر موجودیت افرادی چون من نوعی، با آوردن قضایای دردناک افغانستان مختل گردیده و همیشه این عدم رضایت خویش را در زیر خروارها مبارزه جوئی کاذبانه میخوانند بپوشانند و ادعاء دارند که چرا در خارج از افغانستان به پخش چنین نظریاتی پرداخته میشود، باید گفت:

همان طوری که شما در خارج از افغانستان به مثابه امتداد منطقی تجاوز عمل میکنید، مطمئن باشید افرادی چون من نوعی، خارج از افغانستان را برای شما اختصاص نداده، به مثابه ادامه منطقی مقاومت آزادیخواهانه داخل کشور، در همه جا حضور خواهند داشت. ازین بابت باید بیاموزید که حریف را تحمل کنید، نه اینکه به یاوه سرائی دست زنید. این جواب مختصر را برای تمام آنهایی که علاقه داشتند چیزی از قضایاء دستگیر شان شود، نگاشتم. حاضر هم هستم با هر کسی که تمایل داشته باشد در رابطه با "وظایف افراد، نیروها، سازمانها و احزاب وطنپرست در شرایط اشغال یک کشور چه می باشد" به یک بحث سازنده و قناعت بخش دست بزنم. برای هوچیگری ها، شارلاتان بازیها و خفاش گونه خرامیدن ها نه وقت دارم و نه هم ارزشی بدان قایل هستم. هر کسی که از اداره مستعمراتی و شرکت در انتخابات آن دفاع می نماید، قدم رنجه نموده بر فهم من هم بیفزاید، در غیر آن نباید امیدوار باشد که به هر دشنامی پاسخی خواهد شنید چه در آن رابطه حکم "از دهنه برآید و به یخنت داخل شود" مرا جواب است.